

دینامایان

بزرگ مثل سمفونی پتهوون یا برامس با کیفیت جهانی بگذارد؟ مگر می‌شود به کسی که نمی‌داند فردا اصلاً سُر ارکستر هست یا نه، بگویند که باید تمام توان خود را برای اجرای این قطعه بگذارد.»

دستیار فون کارایان بر این اعتقاد است که ارکستر یک مجموعه تخصصی است که باید با دانش موسیقی کلاسیک اداره شود، نه با نگاه اداری و بوروکراتیک: «من در اروپا دیده‌ام که وقتی نوازنده وارد یک ارکستر می‌شود، به امنیت کامل می‌رسد و دیگر خیال‌اش راحت است که دستمزد ثابت و جایگاه اجتماعی دارد. نوازنده در آنجا ارزشمند است. اما در ایران چه؟ نوازنده مجبور است روزی ۱۰ ساعت در آموزشگاه‌ها درس بدهد، فقط برای اینکه هزینه سیم سازش را تأمین کند؟ بعد از چنین‌روزی، چه انرژی‌ای برای اجرای یک سمفونی باقی می‌ماند؟»

او اما بیدی نیست که با این یادها بلرزد، هر چند سال‌های سال است که در آرزوی برگشت به ایران و کار در وطن مانده است: «من هنوز ناامید نیستم و فکر می‌کنم اگر روزی شرایط درست شود، من و خیلی‌های دیگر برمی‌گردیم. چون این سرزمین بخشی از وجود ماست و این اطمینان را دارم که چراغ این ارکستر روزی دوباره مثل گذشته خواهد درخشید و ایران در جهان موسیقی کلاسیک جایگاه واقعی‌اش را پیدا می‌کند.»

▼ نوازندگان بی‌چیز

موسیقی سمفونیک در تمام دنیا هزینه دارد، اما درآمد ندارد؛ برای همین است که در بیشتر کشورهای جهان، از اروپا تا حتی همسایگان تازه‌وارد، هزینه‌های ارکستر را دولت‌ها، بنیادهای هنری یا سرمایه‌گذاران خصوصی تأمین می‌کنند، چراکه ارکستر را حافظ بخشی از فرهنگ ملی تلقی می‌کنند. در ایران اما هنوز نوازندگی به‌عنوان «شغل» به‌رسمیت شناخته نشده و همین نگاه، ریشه‌ی بسیاری از مشکلات اقتصادی نوازندگان است.

برای همین هم هست که «فرشاد محمدی»، نوازنده فاگوت، در گفت‌وگویی به هزینه‌های سرسام‌آور اشاره می‌کند که یک نوازنده با آن روبه‌روست. فاگوت، سازی کمیاب حتی در دنیاست، ایران که جای خود دارد: «قیمت پایه‌ی فاگوت باتوجه به قیمت دلار، چندصد میلیون تومان است.»

این تازه اول ماجراست. آنچه محمدی بیش از ساز نگرانش است، هزینه‌ی قطعات مصرفی است: زبانه‌ها و لوازمی که همراه چندین میلیون تومان خرج روی دست‌اش می‌گذارند: «گاهی تمام دستمزدی که از ارکستر می‌گیرم، کفاف همین زبانه‌ها را هم نمی‌دهد.»

وضعیت سازهای ارکستر نیز بسیار بد است، برای مثال وضعیت سازهای کنترباس موجود در تالار وحدت به‌معنای واقعی کلمه «تأسف‌بار» است. کنترباس، سازی بزرگ و پرهیبت است که ستون صدای ارکستر به‌شمار می‌رود. اما همین عظمت، هزینه‌ی نگهداری و تعمیر آن را نیز سنگین‌تر می‌کند. سازهای موجود در ارکستر، سال‌هاست فرسوده شده‌اند؛ سیم‌ها، حرک‌ها و بدنه‌های آسیب‌دیده‌ای که هر بار به مرمت نیاز دارند. این سازها دیگر رمقی ندارند. نوازنده مجبور است بخشی از انرژی‌اش را فقط صرف مقابله با نقص‌های ساز کند.

اما مشکل فقط به ساز ختم نمی‌شود. آنچه همه نوازندگان بر آن تأکید می‌کنند، مسئله‌ی دستمزدهاست؛ زخمی کهنه، مزمن و بی‌مرهم. نوازندگان هفته‌ها وقت می‌گذارند، ساعت‌ها در تالار تمرین می‌کنند، بارها قطعه‌ای را می‌نوازند تا هماهنگی کامل حاصل شود، اما در نهایت دریافتی‌شان نه نسبتی به این حجم کار دارد و نه نتوان پوشش هزینه‌های شخصی و حرفه‌ای‌شان را. بسیاری از آنان برای گذران زندگی ناچارانه راه دیگری پیدا کنند. درعمل، نوازنده‌ی ارکستر که باید همه‌ی توان‌اش را صرف آماده‌سازی و تمرکز روی صحنه کند، میان تدریس و کارهای جانبی فرسوده می‌شود. نتیجه این است که ارکستر از پتانسیل واقعی خود فاصله می‌گیرد.

چیزی فراتر از ضعف بودجه یا کمبود سالن است. او بر این باور است که «فردیت» و «مسئولیت‌پذیری» موسیقیدان‌ها، همراه با درک درست از فرهنگ و ارزش اجتماعی موسیقی، می‌تواند مسیر تازه‌ای برای آینده بگشاید. راه‌حل او ساده اما بنیادی است: آزادی عمل برای جوانان، آموزش مهارت شنیدن، سازماندهی حرفه‌ای و درک موسیقی به‌عنوان «نیاز اجتماعی. او دراین‌باره به «هم‌میهن» می‌گوید: «شاید نیمه‌خصوصی‌شدن ارکستر بتواند بخشی از این مضلات را برطرف کند و زمینه‌ی بهره‌گیری از ظرفیت‌های گسترده‌تر را فراهم آورد. اما از آن‌جا که این شکل موسیقی، مخاطبان چندانی ندارد، معمولاً اسپانسرهای خصوصی انگیزه‌ای برای آن ندارند. بسیاری از مردم حاضر هستند چند میلیارد تومان برای یک تابلو نقاشی بدهند چون جسمیت دارد، اما برای موسیقی که بعد از اجرا پایان می‌یابد، حاضر به سرمایه‌گذاری نیستند و این درحالی است که در اروپا، ارکسترهای خصوصی با حمایت انجمن‌ها و اسپانسر‌ها فعالیت می‌کنند و مردم هم صرفاً برای لذت از موسیقی به حمایت می‌پردازند.»

او پیشنهاد می‌دهد موسیقی باید نوعی «جسمیت» و حتی «تجمل‌روchi» پیدا کند تا مردم حاضر باشند برایش هزینه کنند؛ همان‌طور که موسیقی موتزارت روزگاری بخشی از فرهنگ دربار اتریش بود و امروز هنوز زندگی ما را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد.

اما در زمان حضور او در این ارکستر نیز کمبود منابع مالی

بسیاری از ایده‌های او از جمله تشکیل ارکستری بین‌المللی با

حضور نوازندگان ایرانی و اروپایی را ناکام گذاشت.

▼ علی رهبری: نوازنده، کارگر نیست

دراین‌میان «علی رهبری»، رهبر شناخته‌شده‌ی ایرانی که تجربه‌ی همکاری با بیش از ۱۲۰ ارکستر معتبر جهان را در کارنامه دارد، دو دوره به ایران آمد و چنان صدایی از ارکستر درآورد که حیرت خاص وعام را برانگیخت، اما او هم نتوانست مشکلات را تاپ آورد. او در استعفانامه‌اش از «عدم‌مدیریت»، «مشاوران غیر حرفه‌ای»، «بی‌نظمی‌های زیرمجموعه» و «بدقولی‌های مکرر» انتقاد کرد؛ مسائلی که باعث شد چند نوازنده و خواننده‌ی برجسته، ارکستر را ترک کنند و آنان که ماندند نیز با همان مشکلات دست‌وپنجه‌نرم کنند.

رهبری می‌گوید که مسئولان بنیاد، نوازندگان را همچون «کارگران روزمزد» می‌بینند و در آن‌زمان که او رهبری ارکستر را برعهده داشته، برای ماه‌ها حقوق نوازندگان پرداخت نشده و ازآن طرف، بسیاری از آنان قرارداد رسمی نداشتند؛ او با این وجود، مشکل را تنها «پول» نمی‌داند و چنین توضیح می‌دهد: «مسئله فقط پرداخت حقوق نیست؛ مسئله‌ی مهم این است که مسئولانی که در سر کار هستند، ارکستر را نمی‌شناسند و از نوازندگی چیزی نمی‌دانند. نوازنده‌ی ارکستر را نمی‌شود با کارمند اداره مقایسه کرد. شما نمی‌توانید به نوازنده بگویید هشت ساعت در روز بیا سر تمرین و بعد زندگی‌ات را از راه تدریس بگذران. نوازندگی به‌لحاظ جسمی و روحی بسیار سنگین‌تر است. شما وقتی چهار ساعت مداوم در ارکستر می‌نوازید، انرژی‌ای که از بدن و ذهن شما می‌رود، چنان بالاست که بقیه‌ی روز را باید تنها به افزایش مهارتِ خود فکر کنید. این مسئله را هیچ کدام از مسئولان درک نکرده‌اند و همین است که وضعیت ارکستر ما به این روز افتاده است.»

او می‌گوید، هر بار که به ایران آمده، امیدهای بسیار داشته است تا ارکستر را زنده و سرپا کند: «سال‌ها در دنیا ارکسترهای مختلف را رهبری کرده‌ام، من بیش از هر کس دیگری می‌دانم چطور می‌شود یک گروه را بالا کشید. با خودم گفتم اگر این تجربه را به کشورم بیاورم، می‌توانیم ارکستر تهران را دوباره در سطح جهانی معرفی کنیم. روزهای اول واقعاً پر از امید و انگیزه بودم. اما خیلی زود فهمیدم نوازندگان در ارکستر، احساس امنیت نمی‌کنند. وقتی امنیت‌شغلی نباشد، آرامش روحی هم نیست. نوازنده با استرس سر تمرین می‌آید و شما دیگر نمی‌توانید از او توقع داشته باشید، تمام تمرکز و روح خود را برای اجرای اثری

را اجرا کرده‌اند، بلکه قطعاتی تازه از آهنگسازان عرب، مثل سمفونی «رز صحرا»، ساخته ملک جاندالی را نیز برای نخستین‌بار به جهان معرفی کرده‌اند. بودجه کافی، مدیریت هدمندو نگاه به دیپلماسی فرهنگی، از این ارکستر در کمتر از دودهه، نامی شناخته‌شده ساخته است.

عربستان سعودی نیز اگر چه دیرتر از همسایگان خود قدم به میدان نهاد، اما در کوتاه‌ترین زمان، چنان سرعتی در پیمودن مسیر گرفت که امروز نام‌اش در کنار آنان و هم‌اندازه‌ی ایشان در جهان بر سر زبان‌هاست. ارکستر ملی این کشور- همان Saudi National Orchestra که زیر نظر کمیسیون موسیقی فعالیت می‌کند - تنها چندسالی است که تأسیس شده؛ اما به‌سرعت توانست از مرحله‌ی آزمون و خطا عبور کند و خود را به‌عنوان یک نهاد حرفه‌ای و منظم به جهان بشناساند. نمونه‌ای شاخص از این حضور، همان کنسرتی بود که به‌عنوان «شگفتی‌های ارکستر سعودی» در کاخ ورسای پاریس بر صحنه رفت و تصویری نو و خلاف‌آمد عادت از عربستان در ذهن جهانیان حک کرد؛ کشوری که تا همین دودهه پیش، موسیقی در آن به انکار و حاشیه رانده می‌شد. اکنون اما این ارکستر، قطعات کلاسیک بین‌المللی را در کنار نغمه‌هایی برگرفته از موسیقی محلی عربستان می‌نشاند و از رهگذر این آمیزش، هویتی تازه برای خود ساخته است؛ هویتی که هم ریشه در میراث قومی دارد، هم چشم به افق‌های جهانی دوخته است.

امارات‌متحده‌ی عربی نیز با تکیه بر دویی و ابوطبی، در دهه‌ی اخیر به مقصدی برای بزرگ‌ترین ارکستر‌ها و فستیوال‌های جهانی بدل شده است. جشنواره‌هایی چون «ابوطبی فستیوال» مُدام، ارکسترهای غربی را به صحنه می‌آورد و زمینه‌ای برای آموزش موسیقی کلاسیک به نسل جوان اماراتی نیز فراهم کرده است. امروز در سالن‌های باشکوهی چون «دوبی اپرا»، اجراهایی در سطح جهانی برپا می‌شود که تا همین چندسال پیش برای منطقه روایی دور از دسترس بود.

کویت، اگر چه زودتر از همسایگان خود (در دهه‌های میانی قرن بیستم) موسیقی ارکسترال را تجربه کرد، اما افرازوفرودهای سیاسی و جنگ‌های پیاپی آن را به عقب راند. بااین‌همه در سال‌های اخیر بار دیگر تلاش کرده است نهادهای موسیقایی خود را بازسازی کند و آموزش موسیقی کلاسیک را به‌عنوان بخشی از سیاست فرهنگی رسمی‌اش بازگرداند. به این مجموعه اگر بحرین را نیز بیافزاییم، تصویری روشن‌تر حاصل می‌شود؛ بحرین با جمعیت اندک، اما با میزبانی جشنواره‌های موسیقی و دعوت از گروه‌های بین‌المللی، کوشیده است هویت فرهنگی خود را در پیوند با موسیقی جهانی تعریف کند. می‌توان سخن را کوتاه کرد و گفت کشورهای حاشیه‌ی خلیج‌فارس - که تا همین چنددهه پیش موسیقی کلاسیک را جزو اولویت‌های خود نمی‌شناخت - امروز با اتکا به سرمایه‌گذاری هدفمند، احترام به شأن حرفه‌ای نوازندگان و پیوند آگاهانه با میراث بومی، در حال ساختن جایگاهی تازه در نقشه‌ی موسیقی جهان است.

فرق است میان دولتی که موسیقی سمفونیک را بخشی از دیپلماسی فرهنگی خود می‌بینند و هزینه‌های آن را به‌رسمیت می‌شناسند و دولتی که به آن به‌عنوان یک بارِ اضافی نگاه می‌کند و دستمزد نوازندگان حتی هزینه‌ی تعمیر و نگهداری سازشان را هم نمی‌دهد. چه کسی گفته، موسیقی با عشق سرپا می‌ماند؟ موسیقی، «پول» هم می‌خواهد.

▼ نادر مشایخی: فقط به دولت اتکا نکنید

«نادر مشایخی» آهنگساز و رهبر ارکستری که سال‌ها قبل از اروپا به ایران آمد تا سکان این کنشتی توفان‌زده را برعهده بگیرد و ارکستر در زمان‌اش در چند کشور خارجی نیز به اجرای برنامه پرداخت که ازجمله‌ی آن شرکت در «جشنواره‌ی موسیقی شرق» بود و بر گفت‌وگوی فرهنگی در بستر موسیقی تأکید داشت، برخلاف بسیاری از هم‌صنفانش، راه‌حلی برای این مسئله دارد. برای نادر مشایخی، مسئله موسیقی در ایران

به‌نظر می‌رسد حل مشکلات اصلی ارکستر سمفونیک تهران، نه در توان نوازندگان است، نه در کیفیت صدادهی؛ بلکه در مدیریت و ساختارهایی است که سال‌هاست این نهاد را از درون زخمی کرده‌اند. اما دراین‌میان مسئله‌ی دیگری هم وجود دارد: «شرایط همین هست که هست» و باید در این بزنگاه چه کرد؟ آیا می‌توان تنها به‌امید شرایطی نشست که انگار سرِ آمدن ندارد، آن‌هم در این اوضاع و احوال وطن که دغدغه‌ی مردمان این است که «نسان»‌ی درآوردن و بخورند و تمام توان خویش را صرف کنند تا شاید سرپناه خود را حفظ کنند؟ نمی‌شود. در این شرایط موجود و در دلار صدورخده‌ای هزارتومان (که آرزو داریم همین هم بماند) این‌ها همه خیال باطل است. ازطرفی هم نمی‌شود تنها منتظر «زمانی بهتر» نشست. چاره چیست جز آن که؛ همین اکنون، در دل همین بحران‌ها، راهی برای زنده نگه‌داشتن فرهنگ و موسیقی پیدا کرد؟



نصیر حیدریان: رهبر همه چیز ارکستر است

اینجاست که نقش رهبر ارکستر اهمیتی دوچندان پیدا می‌کند؛ کسی که بتواند علاوه بر هدایت موسیقایی گروه، بار روانی و سازمانی آن را نیز بر دوش بکشد. نصیر حیدریان، یکی از برجسته‌ترین رهبران ایرانی ارکستر

در سطح جهان، اکنون در چنین بزنگاهی سکان ارکستر سمفونیک تهران را در دست گرفته است. او نگاهی متفاوت دارد؛ بر این باور است که مشکل اصلی، نوازندگان یا کیفیت فردی آنها نیست؛ بلکه نبود نظم، دیسیپلین و نگاه جمعی است. به‌تعبیر او، ارکستر باید همچون ارتشی منظم عمل کند؛ هر ساز و هر نوازنده در هماهنگی کامل با دیگری، نه برای نمایش فردی، بلکه برای خلق یک کل واحد.

او فلسفه‌ی خود را دارد: «اگر در یک ارکستر بی‌نظمی وجود دارد، مشکل نوازندگان نیست؛ رهبر ارکستر مسئول اصلی است. رهبر باید دیسیپلین ایجاد کند، نوازندگان را از نظر صدادهی و کوک

رویداد

نشان داینامایان

اولین جایزه جهانی ایران در حوزه کودک و نوجوان

گروه فرهنگ: در دنیایی که با بحران‌ها، جنگ‌ها و ناامنی‌های مختلف دست‌وپنجه‌نرم می‌کند، نقش تخیل و خلاقیت کودکان بیش از هر زمان دیگری پررنگ شده است. مسابقه بین‌المللی داینامایان نیز با هدف تقویت و حمایت از خلاقیت و قصه‌گویی برای کودکان و نوجوانان برگزار خواهد شد. رویداد «نشان داینامایان» فرصتی است تا هنرمندان، قصه‌گوها، تصویرگران، بازی‌سازان و سازندگان محتوای کودک و نوجوان از سراسر جهان با یکدیگر به رقابت بپردازند و آثاری را به جهان معرفی کنند که سرشار از امید، شگفتی و غنای عاطفی باشد. برگزارکنندگان نشان داینامایان سعی دارند تا اهمیت قدرت تخیل و خلاقیت کودکان را به‌همگان نشان بدهند و مسیر جدیدی برای رویاپردازی، بازی و درک زندگی به آنان ارائه کنند. این مسابقه می‌خواهد نشان دهد که خلاقیت چگونه می‌تواند از مرزهای فرهنگی، جغرافیایی و نسلی عبور کند و دنیایی بهتر برای همه ما بسازد. ازطرف دیگر، داینامایان باور دارد که کودکان و نوجوانان آینده جهان را خواهند ساخت و باید روی آن‌ها سرمایه‌گذاری جدی شود. بازی، قصه و سرگرمی از مهم‌ترین ابزارهای شکل‌دهی دنیای کودکان هستند، بنابراین لازم است به زبان و جهان آن‌ها احترام گذاشته شود. تولید محتوا برای کودک و نوجوان باید با شناخت عمیق از نیازها و علاقه‌مندی‌های آنان همراه باشد تا بتواند تأثیری واقعی و ماندگار داشته‌باشد. به‌همین منظور، این جایزه می‌خواهد فرصتی برای کشف استعدادهای تازه و صداهای نوآورانه باشد. کسانی که ممکن است به‌دلیل شرایط روزمره کمتر دیده شده باشند اما دارای توانایی‌های خلاقانه ویژه‌ای هستند. این جایزه در تلاش است به یک نشان ملی و بین‌المللی تبدیل شود که هر سال صداهای تازه‌ای را از سراسر جهان می‌شنود و آن‌ها را به مخاطبان بیشتری معرفی می‌کند. یکی از ویژگی‌های متمایز این مسابقه، همکاری با یونسف است که جایزه ویژه‌ای را در قالب داینامایان به آثاری اختصاص داده است که بهترین بازتاب ارزش‌های کنوناسیون حقوق کودک را ارائه دهند. این مشارکت تأکید می‌کند که مسابقه داینامایان تنها به‌دنبال سرگرمی نیست، بلکه قصد دارد به‌واسطه خلاقیت هنرمندان و پدیدآوندگان، حقوق کودکان را نیز ملموس کند. به‌همین دلیل، همه افراد خلاق با هر ملیت و زبانی امکان شرکت در این مسابقه را دارند. حتی در صورت پذیرفته‌شدن آثار به زبان‌های غیرفارسی، ترجمه رسمی فارسی آن نیز منتشر خواهد شد. برندگان غیرایرانی می‌توانند در مراسم اهدای جوایز حضور داشته‌باشند و در صورت عدم امکان حضور، نمایندگان فرهنگی کشورشان دعوت می‌شوند. همچنین هزینه سفر و اقامت نفرات اول غیرایرانی توسط نشان داینامایان تأمین خواهد شد. فرایند داوری به‌صورت برابر و هم‌زمان برای آثار ایرانی و غیرایرانی انجام می‌شود تا عدالت و کیفیت انتخاب حفظ شود. از دیگر ویژگی‌های مسابقه داینامایانی توان به پذیرش آثار در قالب‌های متنوع اشاره کرد. بر خلاف بسیاری از مسابقات که تنها به کتاب یا نمایش محدود می‌شوند، داینامایان در هفت بخش مختلف آثار متقاضیان را می‌پذیرد. کتاب داستان کودک (تصویرسازی نشده)، کتاب تصویری کودک، مان نوجوان، قصه پادکست، ترانه یا لالایی برای کودکان، طراحی بازی و سرگرمی برای کودکان و نوجوانان، نمایش یا تئاتر کودک و نوجوان و سازه‌های هوش مصنوعی مخصوص کودکان ازجمله حوزه‌های شرکت در این مسابقه است. این تنوع قالب‌ها، نه‌تنها به خلاقان این حوزه اجازه می‌دهد تا در زمینه‌های مختلف فعالیت کنند؛ بلکه باعث می‌شود که داینامایان برای نخستین‌بار در جهان، مسابقه‌ای منحصر به‌فرد و جامع باشد که تمام اشکال هنر و سرگرمی کودک و نوجوان را دربرمی‌گیرد. آثار ارسال‌ی به مسابقه داینامایان باید شرایط قابل قبولی برای بررسی در محورهای رویداد داشته باشند؛ قصه‌گو، سرگرم‌کننده یا ماجراجور بودن، تناسب موضوع، زبان و فرم آثار با کودکان و نوجوانان امروز و مشخص بودن مالکیت معنوی از جمله این شرایط هستند. همچنین بازآفرینی آثار کلاسیک ممکن است در صورتی پذیرفته‌شود که اثر جدید، جسورانه و منحصر به‌فرد باشد. البته آثار ترجمه، بازتولیدهای غیر خلاقانه، آثاری که کپی‌رایت رعایت نشده باشد، یا آثاری که هدف تبلیغ یا تخریب ایده‌ها و عقاید خاصی را دنبال کنند، پذیرفته نمی‌شوند. علاوه بر این، آثاری که قبلاً در مسابقات دیگر برگزیده شده باشند یا پیش از این منتشر شده باشند، امکان شرکت در این مسابقه را ندارند. فهرست برندگان این رویداد بین‌المللی در ۱۵ بهمن‌ماه سال جاری اعلام می‌شود و متقاضیان برای ارسال آثار تا ۳۰ آذرماه ۱۴۰۴ فرصت دارند.

